

عوامل و بسترهای اجتماعی وقوع جرم در ایران

چکیده

زمینه: مسائل اجتماعی عوامل و بسترهای وقوع جرایم ناظر بر وضعیت و شرایط رنج‌آوری است که به اعتقاد اکثریت افراد جامعه شرایط مزبور کیفیت زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی را مختل می‌کند.

یافته‌ها: عوامل وقوع جرم در ایران عبارت‌اند از فقر و بیکاری، خانواده نابسامان، ضعف اعتقادات دینی و مذهبی گروه دوستان ناباب، تاثیرات رسانه‌ای و در نهایت مهاجرت و حاشیه‌نشینی است. نتیجه‌گیری: ریشه و منبع مسائل اجتماعی در بطن نهادهای اجتماعی است که بر اثر کارکرد نامناسب هر یک از عوامل فوق شرایط رنج‌آوری به اکثریت افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی تحمیل می‌شود و با تداوم شرایط رنج‌آور به بی‌سازمانی اجتماعی نظام گسیختگی و در نهایت به آسیب‌دیدگی افراد منجر شده و بستر رفتارهای انحرافی را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: عوامل وقوع جرم، مسائل اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری.

مقدمه

بررسی پدیده جرم از زمانی که دورکیم بحث تقسیم کار و اثرات آن بر زندگی اجتماعی را مورد بررسی قرارداد جزئی از مباحث کلاسیک اجتماعی شد از آن پس جرم به عنوان پدیده مهم اجتماعی موضوع بسیاری از بررسی های میدانی و تحلیل های جامعه شناسی شد که طی آن تلاش برای کشف و اثبات رابطه بین جرم و متغیرهای اجتماعی به تلاش دائمی در جامعه شناسی بدل گردید برخی از جامعه شناسان بر این نظر هستند که افزایش جمعیت باعث افزایش تراکم اجتماعی و در کنار آن بسترهای وقوع جرم و آسیب های اجتماعی است. در عوامل و بسترهای وقوع جرمی که در ایران بیشتر اتفاق می افتد از قبیل تاثیرات رسانه ای مهاجرت و حاشیه نشینی فقر و بیکاری خانواده نابسامان، ضعف اعتقادات مذهبی و دینی و گروه دوستان ناباب و سایر عوامل دیگر می باشد آمارها نشانگر این موضوع است که طی سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳ میزان جرایم در کشور افزایش یافته که این افزایش جرایم به دنبال افزایش میزان های مختلف جمعیتی اقتصادی و اجتماعی روی داده است جامعه شناسان بر این باورند که جرم زائیده اجتماعات است و عوامل و فاکتورهای اجتماعی باعث افزایش آن به شکل ناهنجار می شود شناخت صحیح این فاکتورها و عوامل به همراه تلاش همه جانبه برای از بین بردن و یا حداقل کنترل معقول آن می تواند میزان جرم را در جامعه کاهش و یا روند رشد جرایم را متوقف نماید به هر حال گسترش جرم و جرایم همبسته با گسترش تحولات و پیچیدگی های اجتماعی امری طبیعی و حتمی در جامعه جدید بوده که این موضوع بدین معناست که با توسعه جامعه می توان و باید انتظار داشت که جرم نیز افزایش یابد پس پیشگیری مقدم بر درمان است.

۱. بیان مسئله

«جرم» به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، در واقع جرم یک عمل عمدی و ارادی بر علیه قانون است که غیر قابل حمایت و بخشودگی است و مجرم باید به وسیله دولت دستگیر و مجازات شود (باقری، ص ۸۰۶). انحراف اجتماعی از مفاهیمی است که مفهوم روشن و واضحی در مورد آن وجود ندارد. از نظر جامعه شناسان و جرم شناسان، انحراف و کجروی ناظر به رفتارهایی است که حداقل یکی از این صفات را دارا باشد: رفتار منع شده، رفتار نکوهش شده یا رفتاری که مایه بد نامی است و یا موجب مجازات

می‌شود. به عقیده جامعه شناسان انحرافات اجتماعی مانند دزدی، قتل، فساد اخلاقی و... از مسئله‌ی مهمی به نام فقر بر می‌خیزد. انسان همیشه با احساس نیاز در پی برطرف کردن آن تلاش می‌کند حال اگر نتواند از راه سالم به خواسته‌هایش برسد دست به رفتارهای پر خطر می‌زند. یک فرد که با مشکلات زیادی از جمله بی‌خانمانی، گشنگی و... (فقر) دست و پنجه نرم می‌کند راهی جز ارتکاب دزدی برای خود نمی‌بیند. در تایید نظریه (ارتباط فقر و انحرافات اجتماعی) می‌توان به مسئله این روزهای جهان توجه کرد جایی که با شروع بحران اقتصادی آمار سرقت و جرم به شدت افزایش یافت تا جایی که نگرانی دولت‌هایی نظیر آمریکا و انگلیس را به دنبال داشت.

۲. نظریه ارتباط مستقیم فقر و جرم

نتیجه پژوهش مخالفان رابطه مستقیم میان فقر و انحرافات اجتماعی را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «فقر مستقیماً عامل جرم نیست». برخی از این پژوهشگران ابتدا با این پیش فرض که در دوران رکود اقتصادی و هنگامی که تعداد فقیران زیاد می‌شود، جرم و کجروی افزایش می‌یابد و بر عکس در دوران بالندگی اقتصادی جرم کمتری روی می‌دهد، به تحقیق در رابطه بین آن دو پدیده پرداختند. اولین مطالعات در این زمینه با استفاده از آمارهای نسبتاً دقیق از سوی «گری» و «کتله» صورت گرفت. آنها مقایسه‌ای بین نواحی ثروتمندترین و فقیرنشین فرانسه انجام دادند. نتایج به دست آمده بر خلاف انتظار آنها حاکی از آن بود که تفاوت محسوسی در ارتکاب جرائم بین دو ناحیه وجود ندارد. از این رو آنها این نتیجه را گرفتند که جرائم و کجروی معلول «فرصت» است. عده دیگری از پژوهشگران هم این مسیر را دنبال کردند و یافته‌های آنها در تایید همان نتایجی بود که در تحقیق فوق اشاره شد، از جمله مطالعات «دو گریف» است که در آن به تأثیر غیر مستقیم عوامل اقتصادی در ارتکاب جرم اشاره شده است یا پژوهش‌های «پی ناتل» که فقر را تنها عامل تقویت استعداد بزه کاری محسوب می‌نماید و حتی نتایج برخی تحقیقات حاکی از این است که در دوران شکوفایی اقتصادی، شاخص جرم و جنایت بیش از دو برابر، رشد داشته است.

از نظر عموم افراد جامعه، فقر عامل جنایت، سرقت، فحشاء و بسیاری از کجروها در جامعه است. برخی از پژوهش‌ها هم این نظر را تایید می‌کنند و فقر و ناتوانی اقتصادی را عامل مستقیم کجروها قلمداد می‌نمایند و بین آنها همبستگی ملاحظه می‌کنند. از برخی پژوهش‌ها که درباره رابطه بین نرخ جرائم علیه اموال در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ و بین در صد خانوارهایی

که درآمد آنها از میانگین جامعه پایین تر است این نتیجه به دست آمد که رابطه بین فقر و انحرافات، رابطه ای مستقیم است. تحقیقات «لافتین» و «هیل» که به کمک شاخص های فقر از قبیل مرگ و میر کودکان، آموزش و پرورش نامناسب و... صورت گرفت تایید کننده همبستگی قوی بین این سنجش و نرخ قتل ها در آمریکا بوده است. همچنین تحقیقاتی که در مورد رابطه بیکاری و جرم صورت گرفته همین یافته ها را تایید می نمایند. به عنوان نمونه در یک پژوهش اثبات گردید که ۱۰ درصد افزایش در نرخ بیکاری، ۵/۷ درصد افزایش در قتل عمد را به دنبال داشته است. البته با توجه به این پیش فرض که بیکاری علت فقر و فقر هم عامل جرم و جنایت می شود این نتیجه به دست می آید که بین بیکاری و فقر و جرم رابطه مثبت وجود دارد. کجروی های اجتماعی بر خواسته از فقر مادی و فرهنگی است که می توان با گسترش آگاهی مردم از طریق رسانه ها به کمتر شدن آن امیدوار بود.

۳. نقش دوستان و معاشران ناباب در گرایش به جرم

دوستان و معاشران هر کس تاثیرگذاری زیادی بر سبک زندگی، خواسته ها و تمایلات و چشم اندازهای او دارند. هم نشینان اهل فضل و علم و ادب موجب تعالی و پیشرفت می شوند و به عکس هم نشینی با افراد ناباب، سبب انحطاط فضایل و کمالات در وجود آدمی می شود. بر اساس آموزه های جرم شناختی این تاثیر و تأثر از چند طریق صورت می گیرد که به برخی از آنها اشاره می شود:

یادگیری: انسان موجودی یاد گیرنده است و بطور فطری و غریزی خوبی ها و بدی ها را از دیگران فرا می گیرد. بزهکاران معمولاً راه و چاه ارتکاب جرم و شگردها را از دوستان حرفه ای خود فرا می گیرند و طی مسیر بزهکاری نیز همانند سایر مهارت های مثبت و منفی، نیاز به معلم و ممارست و تمرین دارند. معاشرین ناباب به عنوان معلم، بد آموزی را به سایرین انتقال می دهند و این چرخه انحراف متأسفانه مرتب جریان می یابد. راز و رمز تداوم بزهکاری در جامعه نیز در همین نکته است که با وجود خارج شدن بسیاری از بزهکاران مسن از چرخه بزهکاری، همواره نیروهای جوانتری جایگزین آنها می شوند.

الگوسازی: معاشرین و دوستان نقش زیادی در شکل دهی به الگوهای ما دارند. در بحث بزهکاری نیز گاهی الگوهایی غلط به جامعه (بخصوص جوانان و نوجوانان) ارائه می شود و صد البته فقط جنبه های مثبت و تحریف شده این الگوها بطور گزینشی ارائه می شود به عنوان مثال ثروت و امکانات نامشروع مالی بزهکاران حرف های به جوانان فاقد امکانات ارائه می شود و

به آنان چنین القاء می شود که شما نیز با پیمودن مسیر بزهکاری می توانید به راحتی صاحب ثروت و موفقیت شوید و در وقت مناسب به مسیر درست زندگی بر گردید یا در همان مسیر کارتان را ادامه دهید.

خرده فرهنگ بزهکاری: متأسفانه خرده فرهنگ خاص دستجات بزهکاری شیرینی کاذب و فریبنده ای دارد که به راحتی انسان های عاقل و خام و بی تجربه را شیفته خود می کند. مفاهیمی مانند بی خیالی، بی مسئولیتی، پایبند نبودن به عهد، پایبند نبودن به اخلاق و خانواده، حداکثر لذت جویی از زندگی، بی توجهی به آینده. عدم تمایل به برنامه ریزی و اهداف دراز مدت، بی صبری در برابر مشکلات و دشواری های زندگی، بهره کشی از سایرین، بی توجهی به حلال و حرام و ناهنجاری های دیگری از این دست در خرده فرهنگ بزهکاران ریشه می دواند و نسل به نسل و سینه به سینه در میان آنان می چرخد. نکته انحرافی در این میان آن است که تلاش می شود شخصیت برداری کاذبی از چهره های بزهکار در گروه ارائه شود و همواره سعی در فراموش کردن سکس ها و سرانجام تلخ کجروی با سانسور شدید خرده فرهنگ ها می شود.

وارونگی ارزش ها و هنجارها: تداوم معاشرت با افراد ناباب موجب وارونگی ارزش ها و هنجارها و جایگزینی ناهنجاری ها در ضمیر اشخاص می شود. قبح گناهان و ناهنجاری ها به تدریج ریخته می شود و شخص بتدریج حساسیت خود را در قبال جرائم و کجروی ها از دست می دهد بدون آنکه خود از این تغییر ریشه های در باورهای خود، مطلع شده باشد و فقط خانواده و دوستان قبلی متوجه می شوند که شخص مورد نظر تا چه حد از نظر فکری و ارزشی به قهقرا رفته است.

توجیه و پذیرش: فردی که در جمع دوستان ناباب و کجرو گرفتار شده است به تدریج در اثر انحراف فکری و سوء عملکرد با واکنش منفی از سوی خانواده و دوستان سابق مواجه خواهد شد؛ فرد دیگر فقط در میان این جمع است که احساس راحتی می کند و فقط در میان این جمع است که افکار و اعمال سوء وی مورد پذیرش و گاه تشویق و تحسین قرار می گیرد. بزهکاران با توجیه و پذیرش یکدیگر فضای روانی لازم را برای استمرار بزهکاری ایجاد می کنند و صد البته این آرامش و آسودگی، خواب و خیالی بیش نیست و بالاخره هر یک از آنان سرشان به سنگ می خورد و روزی با واقعیات تلخ زندگی بزهکارانه روبه رو می شوند. در هر حال نتیجه می گیریم که دوستان و معاشرین ناباب، جاده صاف کن مسیر بزهکاری هستند و گرد هم آمدن آنها باندهای تبهکاری را شکل می دهد. معاشرین بزهکار موجب همافزایی نیروی کجروی در یکدیگر

می‌شوند و نقش بسیار مخربی از حیث ایجاد عادت به بزهکاری (اعتیاد به بزه) در میان جمع خود دارند. ضمناً لغزش در مسیر بزهکاری و طی طریق کجروی بدون معاشرین ناباب تقریباً غیر ممکن است. پس در انتخاب دوست و معاشر خود بیشتر دقت کنیم.

۴. نقش اعتقادات مذهبی و دینی

نقش اعتقادات مذهبی در اعمال و رفتار انسان معتقد امری انکارناپذیر است. اعتقادات مذهبی در تمامی اعمال و رفتار انسان مومن منعکس شده او را به انجام اوامر الهی ترتیب و از مناهی حضرت یار باز می‌دارد. امروزه یکی از روش‌های رایج به منظور درمان بزهکاری و اصلاح آنان و پیشگیری از وقوع جرم در بیشتر کشورهای دنیا شیوه مذهب درمانی است. یکی از بهترین عوامل بازدارنده از ارتکاب که اثر بسیار مهمی دارد عامل مذهب است. زمانی که در جامعه‌ای نقش مذهب و عوامل معنوی بزرگ می‌شود بی‌شک میزان جرم و جنایت نیز کاهش می‌یابد به گونه‌ای که در بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است غالب مجرمان افرادی دور شده از دین هستند و در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که ارزش‌های معنوی کم‌رنگ شده و ارزش‌های مادی جای آن را گرفته است. کاهش میزان جرایم در ماه رمضان واقعیتی آشکار است چرا که هر ساله با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان تعداد قتل‌ها و سایر جرایم وقوعی دیگر کاهش می‌یابد و به تبع آن احساس امنیت در میان مردن نیز بیشتر می‌شود و ماه رمضان این فرصت را ایجاد می‌کند که دهن جامعه از ناپاکی‌ها، ناهنجاری و وقایع تلخ و تکان‌دهنده پاک شود و موج احساس ناامنی فروکش کند که درباره اهمیت و جایگاه رفیع ماه مبارک رمضان، پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «اگر بنده خدا از حقیقت و کرامت ماه رمضان آگاه بود دوست می‌داشت تا تمام سال رمضان باشد». این ماه، ماه خودسازی و پرورش روح، ماه عبادت و بندگی، ماه نزول قرآن، ماه ولایت و ماه لیلۃ القدر است. دین اسلام که کامل‌ترین دین دنیاست برای تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها طرح‌ها و برنامه‌های مناسبی را تدوین نموده که عمل به آنها انسان‌ها را به سوی رستگاری هدایت می‌کند. در خصوص علل و عواملی که باعث می‌شود ماه رمضان در کاهش جرایم تأثیرگذار باشد که به شرح هر یک از آنان می‌پردازیم:

۴-۱. نقش رسانه‌ها

در شرایطی که مسئولان فرهنگی همواره بر نقش مؤثر مذهب در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فردی و خانوادگی تأکید دارند جلوه یافتن این نقش در ماه مبارک رمضان بسیار حائز اهمیت است. هر چند سفارش و توصیه مذهب و گرایش‌های معنوی همیشه وجود دارد اما ما شاهد

هستیم در ایام مذهبی خاص مثل ماه رمضان رسانه ها بیش از پیش بر این موضوع تأکید می کنند و همین مسئله سبب می شود تا افکار افرادی که احتمالاً در طول سال از باورهای دینی اندکی فاصله گرفته اند به سوی معنویت بیشتر معطوف شود بنابراین نمی توان نقش رسانه ها را در این خصوص نادیده گرفت. به طور کلی مذهب عامل خودکنترلی بسیار قوی است. فردی که باورهای دینی در او نهادینه و ریشه دار شده است دیگر به خاطر ارزش های پوچ و ظاهری دست به کارهای غیرمعقولی نمی زند و همواره به عقوبت اعمالش می اندیشد ما شاهد هستیم که سازمان ها و نهادهای مختلف بودجه های زیادی را صرف مبارزه و مقابله با بزهکاری و انواع آسیب های اجتماعی می کنند اما نحوه هزینه کردن ها حکایت از آن دارد که بیشتر این بودجه صرف برخورد با معلول ها می شود و کمتر کسی به سراغ علت ها می رود حال آن که اگر در بحث مبارزه با آسیب های اجتماعی توجه ما به علل و ریشه ها باشد در آن صورت ضرورت انجام کارهای فرهنگی و لزوم توسعه آن بیشتر احساس می شود و مسئولان رسانه ها نیز طبیعتاً در پُررنگ کردن باورهای دینی تلاش بیشتری را به خرج خواهند داد.

۲-۴. بهداشت روانی

آسیب شناسان اجتماعی و متخصصان علوم رفتاری بر این باوراند که علت بسیاری از جرایم و جنایت ها نابسامانی های روانی و گسترش میزان بیماری ها و مشکلات روحی است به همین دلیل همواره بر لزوم توجه ویژه به بهداشت روان در سطح کلان تأکید ویژه ای دارند. جرم توسط فرد یا افرادی به وقوع می پیوندد که در برابر فشارها و مشکلات زندگی که به انواع اجتماعی، خانوادگی و... تقسیم می شود توانایی یافتن راهکارهای منطقی و صحیح را ندارد و به خاطر پایین بودن آستانه تحمل وی در برابر سختی ها و گرفتاری ها به رفتار هیجانی متوسل می شود از سویی با ریشه یابی اعمال افراد تبهکار و قانون شکن مشخص می شود در فرآیند رشد آنها اختلال وجود داشته و همین مسئله سبب شده تا شخصیت آنان به شخصیتی بیمار گونه تبدیل شود. با مطالعه دستورهای دین اسلام این نکته کاملاً واضح و مشخص است هر آنچه که در دین به انجام یا ترک آن امر و توصیه شده نقش بسزایی در بهداشت روانی دارد. فرد مذهبی کمتر گرفتار جسم و رفتارهای هیجانی می شود به خاطر باورهایی که در او تثبیت شده در برابر ناملایمات و سختی ها، مشوش نمی شود و در برخورد با دیگران آرامش خود را حفظ می کند و همین نکات از مهمترین عوامل پیشگیری از وقوع جرم است و ما شاهد هستیم در ماه رمضان مردم بیشتر از سایر ماه ها به این دستورات توجه دارند.

۳-۴. تأثیر اجتماعی

یکی دیگر از عللی که کارشناسان در رابطه با ناپهنجاری و آسیب‌های اجتماعی بر آن تأکید دارند میزان همبستگی اجتماعی است. هر چه این همبستگی کمتر شود به تبع آن احتمال بروز بزه و جرم نیز افزایش می‌یابد به همین خاطر بسیاری بر این عقیده‌اند که در شهرها و مناطق کوچک مانند روستاها به دلیل بالا بردن میزان همبستگی اجتماعی آمار جرم و جنایت بسیار پایین تر از کلانشهرها و مناطق شلوغ و پرجمعیت است. در این رابطه میان نقش مذهب در افزایش همبستگی اجتماعی بسیار واضح و آشکار است. بخش عظیمی از آموزش‌های دینی ما مربوط به روابط اجتماعی می‌شود و در اسلام بر انجام اعمال و مناسکی توصیه شده که طبیعتاً میزان همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال نماز جماعت نمونه بارزی در این خصوص است. در این میان نقش مذهب در افزایش میزان همبستگی اجتماعی در ماه رمضان بسیار مشهودتر از سایر ایام است. انجام اعمالی مانند رسیدگی به ایتم، کمک به نیازمندان، فراهم کردن شرایط آزادی زندانیان، مراسم گلریزان و... از جمله این مراسم است. در ماهی که انجام این اعمال سرلوحه زندگی اجتماعی افراد قرار می‌گیرد طبیعتاً کمتر شاهد نزاع‌های خیابانی، اعمال منافی عفت، ایجاد مزاحمت و غیره و... هستیم. یکی از عوامل بروز جرایم و آسیب‌های اجتماعی به شکل مشکلات اقتصادی است. زمانی که فردی به لحاظ روانی دچار اختلال است با تنگناهای مالی نیز مواجه می‌شود و احتمال گرایش با رفتارهای هیجانی و خشونت آمیز در او بیشتر می‌شود. در حالی که در ماه رمضان شاهد هستیم افرادی که مشکل مالی بسیاری از خانواده‌های گرفتار را برطرف می‌کنند دیگر شاهد وقوع جرم از سوی این خانواده‌ها نیستیم. در این میان رسم خوب دیگری که هر ساله در ماه رمضان در ایران وجود دارد جمع‌آوری پول برای آزاد کردن محکومان به دیه و مجرمان مالی است که واقعاً می‌تواند در میان مدت و طولانی مدت اثرات خوبی در کاهش آمار ناپهنجاری‌ها داشته باشد.

۵-۴. تأثیرات رسانه‌ای

کارکردهای منفی رسانه‌ها: در عصر حاضر که به عصر ارتباطات و اطلاعات معروف است مهمترین ابزار فعالیت‌های فرهنگی تأثیرات رسانه و رسانه جمعی است که نقش آن پیشگیری از جرم است و مورد توجه جرم‌شناسان، حقوقدانان، جامعه‌شناسان و متولیان نظم و امنیت قرار دارد که در این باره به کارکردهای منفی رسانه‌ها اشاره می‌شود.

بروز و بسط خشونت و ناامنی: برخی از پژوهشگران بر این عقیده اند که رسانه ها، موجبات بروز و توسعه‌ی خشونت را فراهم آورده و جهانی خشن، ناامن و پرمخاطره را تکوین بخشیده‌اند. آنچه آشکار است اینکه رسانه ها همان طور که در ایجاد مشارکت و امنیت، نقش ایفا می‌نمایند همان گونه نیز امکان دارد که با تنزل قدرت انتخاب مخاطبان و تضعیف روند نهادی شدن ارزش های اجتماعی و انتقال تصویرها و انگاره های از هم گسیخته، افراد جامعه را دچار تعارض ها و چندگانگی های فرهنگی و اجتماعی کنند و وفاق، مشارکت و همدلی را تبدیل به نفاق، جدایی و خشم و خصومت کنند. در چنین شرایطی تنش، تعارض و خشونت، پدیدار می‌گردند و هنجارها و ارزش های پسندیده جامعه رنگ می‌بازند.

سلطه جویی: امروزه بسیاری از قدرت‌های حاکم و استعمارگر با بهره‌برداری نادرست از رسانه‌ها توانسته اند به اعماق جامعه در یک زمان راه یابند و به عبارتی سلطه جویند.

دگرگونی ارزش‌ها: رسانه‌ها به ویژه رسانه‌ای دیداری با تولید و نشر برنامه‌های جنایی در واقع موجب دگرگونی ارزش‌ها می‌شوند تا آنجا که گاه جرم و جنایت برای بینندگان به‌خصوص مخاطبان نوجوان و جوان ارزشی مثبت تلقی می‌گردد.

انتقال شگردهای جرم و جنایت: امروزه رسانه‌ها با تولید انبوه فیلم‌های جنایی و همچنین نشر وسیع اخبار جرم و جنایت، خشونت و ناامنی سبب انتقال تجارب و فنون و به عبارت بهتر شگردهای جنایی به کل مردم می‌شوند. بر این اساس شاید بتوان گفت که رسانه ها به نوعی - حال به طور مستقیم خودآگاه و یا غیرمستقیم و غیرعمد- در ایجاد خشونت، جرم و جنایت و انحرافات اجتماعی و... دخیل هستند.

مقاومت در برابر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی: استفاده ناب‌جا از برخی رسانه‌ها باعث آن می‌شود که بسیاری از اقشار جامعه و به ویژه نسل جوان در برابر ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه خود مقاومت نمایند و خواهان نابودی و تخریب این گونه ارزش ها شوند.

میل به تنوع طلبی و زیاده‌خواهی: رسانه‌ها از طریق تبلیغات گسترده تجاری در واقع تمایل به مصرف زدگی و گرایش به زیاده خواهی را تشدید می نمایند.

از بین بردن تعادل روانی: رسانه‌ها با تحریک نیاز و میل به مصرف گرایی مردم و همچنین ایجاد نیازهای مصنوعی به نوعی موجب از بین رفتن تعادل روانی افراد جامعه می‌شوند.

فرهنگ زدایی: رسانه‌ها با استفاده از فناوری‌های پیشرفته خود قادر هستند در تمام عرصه‌های جهانی، ملی و منطقه‌ای تجلی یابند.

تحمیل و تبلیغ اندیشه‌ها و کالاها: امروزه رسانه‌ها می‌توانند زمینه را برای تحمیل هر گونه نظری فراهم کنند و با ابزارهای تبلیغات از نفوذ و قدرت مطلق بر انسان‌ها برخوردار گردند. بر همین اساس می‌توان گفت که رسانه‌ها با شیوه‌های خاص و از طریق تبلیغات می‌کوشند به تحمیل کالاها، اندیشه‌ها و بسط شبکه‌های نیازهای انسان‌ها بپردازند. برخی دیگر از آثار منفی کارکردهای رسانه‌ها عبارتند از: «کاربرد آن برای ایجاد اختلاف و تجزیه، ایجاد وابستگی اطلاعاتی، جریان یکسویه‌ی اطلاعات، مرکزیت ابر رسانه‌ها، ایجاد گسست فرهنگی و تبلیغ الگوهای جامعه‌مشتري مبتنی بر ارزش‌های جامعه مصرفی سرمایه‌داری متأخر» (مجله سروش، ۱۳۷۸: ۴۳). خلاصه اینکه در گذر شتابان جامعه، رسانه‌ها هم در قالب ملی و هم در ساخت بین‌المللی می‌توانند کارکردهای مثبت و منفی بسیاری داشته باشند که بالطبع در تقویت یا تضعیف پایه‌های مشارکت مردمی و امنیت عمومی تجلی می‌یابد. با این تفصیلات باید اذعان نمود که رسانه‌ها هم می‌توانند یک تهدید تلقی گردند و هم یک فرصت. بر این اساس لازم است که تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و از رسانه‌ها به عنوان ابزاری کارآمد در جهت تقویت و تحکیم مشارکت‌های مردمی و تأمین امنیت عمومی استفاده کرد.

۵. خانواده نابسامان

جامعه‌شناسان معتقدند که جرم یک پدیده طبیعی و دائمی است که در هر زمان و مکان اتفاق می‌افتد با تحولات اجتماعی تغییر پیدا نمی‌کند، نزد وجدان مردم زشت و ناپسند است و احساسات اجتماعی را متأثر می‌سازد. دورکیم می‌نویسد: جرم پدیده‌ای اجتماعی، طبیعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند جرم محسوب می‌شود. جرم‌شناسان، ناسازگاری افراد را در اجتماع، عملی ضد اجتماعی و جرم می‌نامند، برخی دیگر معتقدند که تعدی و تجاوز به شرایط زندگی، بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. در جرم‌شناسی هر عملی که مضر به وضع اجتماعی باشد و اعمالی که در قوانین کیفری مجازاتی برایشان پیش بینی نشده است مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. نقش والدین قبل از تولد کودک شروع می‌شود، لازم است والدین فرزندان خود را به بهترین شکل تربیت و به سوی خیر هدایت کنند چرا که بسیاری از جوانان و نوجوانانی که مرتکب جرمی می‌شوند والدینشان خود را عامل انحراف خود می‌دانند. از آنجا که سنگ اول بنای حیات جامعه از نظر اسلام خانواده است و هرگونه اقدام و رشد اجتماعی در سایه خانواده حاصل می‌شود. خانواده عامل ثبات و سازش اجتماعی محسوب شده و سعادت جامعه تا حدود زیادی

در گرو آن است. خانواده مرکز شکل گیری و تشکیل عادات و کیفیت معلومات و تجارب است. روح و مغز طفل در محیط خانواده ساخته می شود و به طور کلی می توان گفت: انسان های سالم و رشد یافته در خانواده های سالم پرورش می یابند و آسیب های اجتماعی گوناگون از خانواده ای ناسالم، منشاء می گیرند.

۱-۵. کانون خانواده و بزهکاری جوانان

از پژوهش های عملی و عینی جامعه سنجی خانواده چنین استنباط می شود که کانون های خانوادگی که افراد بزهکار تحویل جامعه می دهند اغلب در یکی از پنج گروه زیر قرار دارند: در میان اعضای خانواده، عده ای تبهکار بوده اند. از هم پاشیدگی خانوادگی (اعم از آن که ناقص یا کامل، اتفاقی یا آزادی، بر اثر مرگ و میر پدر و مادر یا هر دوی آنها، بر اثر جدایی یا ترک خانواده باشد). عدم مراقبت والدین از فرزندان در اثر جهالت، کوری یا ناتوانی و معلولیت. فضای نامطلوب خانوادگی در اثر تبعیض، افراط در نازپروری یا خشونت، حسادت، کثرت عائله، مداخله ناروای سایر اعضای خانواده، سلطه بی جا و خشونت آمیز یکی از اعضای خانواده. مشکلات مالی، عدم کفایت درآمد، بیکاری، کار کردن مادر خارج از کانون خانوادگی و بی سرپرستی کودک.

۲-۵. پیشگیری

در نظام حیات اجتماعی اسلام، پیشگیری از وقوع جرم مقدم بر اصلاح آسیب است و امکان پیشگیری از جرم نیز وجود دارد. چون از دید علمای اسلام انسان ها دارای فطرت و طبیعت خداجو هستند و امر تربیت پذیریشان بسیاری از وقایع و مسائل را حل کرده و امور مورد انتظار جامعه را محقق خواهد ساخت. شیوه هایی که در پیشگیری به صورت مجموعه باید مورد توجه و رعایت قرار گیرند معتقدند که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم:

توجه به تربیت: مجرم یا منحرف را می توان چنین معرفی کرد که فردی تربیت نیافته است یا اصول یک تربیت استوار و صحیح از همان کودکی به او القاء نشده است، بنابراین برای پیشگیری از وقوع انحراف ضروری است عوامل و ابزار تربیت مورد توجه قرار گیرند و خواسته ها از آن طریق القا شوند، بدیهی است که در این راه خانواده، مدرسه و اجتماع نقش اساسی بر عهده دارند.

تقویت مذهبی و اخلاق: مذهب عامل بازدارنده نیرومندی از جرایم و انحرافات است بنابراین نمی توان نقش آن را نادیده گرفت. امروزه یکی از روش های رایج و معمول به منظور درمان

بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرایم در اکثر کشورهای دنیا شیوه مذهب درمانی است و به عنوان عامل بازدارنده ای از ارتکاب نقش بسیار مهمی دارد.

۶. مهاجرت و حاشیه نشینی

ایران به عنوان شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۰ جمعیتش ۶/۳ برابر افزایش یافته در حالی که این رشد برای جمعیت جهان کمتر از ۳/۲ برابر بوده است. رشد جمعیت شهری کشور طی همین مدت (۴۵ سال) بیش از ۷ برابر بوده است. غیر از شهرهای بزرگ کشور در مورد خاص تهران پدیده جدیدی طی ۲۷ سال گذشته بروز کرده که تقریباً غیرمتعارف بوده است و آن افزایش انفجاری جمعیت روستایی استان تهران است که با نرخ بالایی ۵/۷ درصد رشد داشته و جالب اینکه مهاجران به مناطق روستایی استان تهران از شهرها به روستاهای اطراف تهران رانده شده‌اند به گزارش خبرگزاری موج در خوش بینانه‌ترین برآوردها از جمعیت ۹۵۰ میلیون نفری حاشیه‌نشین در جهان (بیش از ۱۵ درصد جمعیت جهان) ۷ میلیون آن در کشورمان زندگی می‌کنند (۱۰ درصد) و به یاد بیاوریم که قریب ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کنند. ۵۰ سال پیش فقر روستایی فقر غالب در ایران بود، امروز این فقر شهری است که چالش مدیریت شهرها و برنامه‌های توسعه ملی است (چالش حاشیه نشینی و مدیریت شهری آسیا، ۱۳۸۴). بر اساس مطالعات جامعه‌شناختی، ۶۷ شهر کوچک و بزرگ کشور در ۱۶ استان در سال ۱۳۸۰ بدون احتساب تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی با پدیده حاشیه نشینی مواجه هستند در این محدوده‌ها که بیش از دو میلیون نفر ساکن هستند. تراکم جمعیت مناطق حاشیه نشین به طور متوسط حدود ۲۰۰ نفر در هکتار است (افتخاری راد، ۸۰). همچنین مطابق برآوردهایی که در پژوهش حاشیه نشینی در ایران توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران صورت پذیرفت، جمعیت حاشیه نشین در ۱۰ شهر بزرگ ایران نظیر تهران، مشهد، شیراز، اهواز حدود ۳/۵ میلیون نفر تخمین زده شد که اکنون قطعاً بسیار بیشتر از این رقم است.

۶-۱. علل حاشیه نشینی

در خصوص ایجاد پدیده حاشیه نشینی علل مختلفی می‌تواند موثر باشد از جمله:

۱- درآمد پایین سرپرست خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره وقتی هزینه‌های تمام شده زندگی مردم به گونه‌ای باشد که دیگر نتوانند در شهر زندگی

کنند برای ادامه زندگی مجبور می شوند به حاشه های شهر بروند. معمولاً حاشیه نشینان جزو تهی دستان جامعه هستند. به دلیل گرانی غیرمتعارف زمین شهری در کلانشهرهای ایران و به خصوص تهران (معادل هفت برابر حقوق ماهیانه بیجه (قاتل مخوف پاکدشت) برای یک مترمربع زمین) هیچ راهی جز ظهور قارچ گونه و شتابان و حاشیه نشینی شهری باقی نمی ماند، در حالی که بخش قابل توجهی از تهی دستان روستانشین عادی هستند و کمتر با مسئله گرانی زمین شهری مشکل دارند.

۲- دافعه های میدا (مثل بی چیزی، نداشتن زمین) موجب گریز ساکنین آن از زادگاه های خویش و سرازیر شدن آنها به سوی شهرها می شود و هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانون های حاشیه نشینی می شود.

۳- دوری از روند بوروکراتیک: پدیده دیسنتریسیم به خاطر فرار از روند بروکراتیک زندگی شهری یکی از پدیده هایی است که بر عکس مهاجرت در حال انجام است. به ویژه مسئله فرار از تهران امروزه به یکی از مسائل اجتماعی ما بدل شده است. یکی از عوامل که هم به فرار از روند بروکراتیک و هم به خاطر مشکل مالی و قیمت بالای ساخت زمین و مسکن در حال رخ دادن است تمایل به ساخت دراز مدت مسکن می باشد.

۴- قطعه بندی های بزرگ زمین که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم درآمد و کم بضاعت گرفته می شود و به ناچار به مناطق حاشیه نشینی پناه می برند.

۵- فقدان منطقه بندی و کاربری نامناسب زمین. اگر شهرها به صورت مناسب منطقه بندی و توسعه نیابند زمینه برای ساخت و سازهای غیرمجاز فراهم شده و محلات زاغه نشینی به وجود خواهد آمد. همچنین چنانچه زمین های مناسب برای خانه سازی به کار برای صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد ممکن است محلات فقیر نشین شکل بگیرند.

۶- مهاجرت، از عوامل موثر در شکل گیری حاشیه نشینی است مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می باشد.

۷- در شکل گیری مناطق حاشیه نشینی حداقل در گسترش آن نقش و تأثیر عملکرد ادارات و دستگاه های دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت. برخی اراضی داخل یا خارج شهرها متعلق به سازمان ها و ادارات دولتی و عمومی از جمله شهرداری ها، سازمان مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و منابع طبیعی می باشد. شناسایی حدود اربعه آن و حفاظت از آن حائز اهمیت است در پاره ای موارد در پرونده های مطروحه در دادگاه ها مشاهده می شود که اراضی دولتی مورد

تصرف و تعرض افرادی سودجو واقع شده و حتی به کرات و به صورت متعدد مورد خرید و فروش واقع شده و همچنین در مواقعی مورد ساخت و ساز قرار گرفته ولی ادارات یا نهادهای یاد شده اطلاعی از چنین اقداماتی حاصل نمی نمایند.

۲-۶. نظریه ها و دیدگاه‌های مربوط به حاشیه نشینی و جرایم

ساختار غلط اقتصادی-اجتماعی کشورهای در حال توسعه مهم ترین دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها و تمرکز آن‌ها در حومه شهرهای بزرگ و در نتیجه به وجود آمدن حاشیه نشینی، آلونک نشینی و زاغه نشینی می باشد. طبق نظریه آنومی که از جانب امیل دورکیم جامعه شناس فرانسوی مطرح شده است شرط اصلی بروز بی هنجاری، افزایش سریع و شدید حجم و تراکم جمعیت می باشد که نتیجه افزایش جمعیت، بروز تضاد میان مردم، مشاغل مختلف و گروه های ذینفع می باشد. به نظر دورکیم عدم تعادل در ساختار جمعیت یکی دیگر از عوامل ایجاد آنومی در جامعه می باشد که مناطق حاشیه نشینی به دلیل مهاجرت روستاییان که اغلب آنها نیز از مردان جوان می باشند با آن رو به رو می شوند. طبق نظریه خرده فرهنگ ها، برخی گرایش های ضد اجتماعی با برخی گروه های مختلف اجتماعی در ارتباط می باشد. در این میان به نظر می رسد مناطق حاشیه نشین گرایش های ضد اجتماعی بیشتری نشان می دهند و خرده فرهنگ هایی را شکل می دهند که در آنها پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی پذیرش بیشتری دارند. در این مناطق به دلیل فراهم نبودن امکانات زندگی، فقدان کنترل های رسمی و غیر رسمی بیشتر تحمل می شود (عبادی نژاد، ص ۳۵۰). از نظر علمای اجتماعی کشور آلمان، همچون زیمل و تونیس، رشد شتاب آلود کالبد شهرها همراه با ظهور تغییرات اجتماعی جدیدی که در فلسفه مادی گرایانه مبتنی بود، مقدمه تباهی شهرها فراهم کرد (موسوی، ۱۳۷۸: ۱۸۶). به عقیده وررث نیز شهرنشینی نتایجی از قبیل افزایش جمعیت افزایش تراکم با هماهنگی و اختلاف جمعیت را در پی دارد که خود باعث پیامدهای اجتماعی و روان شناسی در زندگی شهری می شود (باقری، ص ۸۰۵). حال معتقد است که انفجار جمعیت در شهرهای دنیا منجر به ایجاد چرخه های رفتاری مخربی می شود که حتی از بمب هیدروژنی هم مهلک تر است. با افزایش جمعیت تنوع فرهنگی پیش می آید، انسجام و توافق اجتماعی هم کم رنگ تر می شود (حال، ادواتی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷). به نظر جرج زیمل در شهرهای بزرگ مخصوصاً کلان شهرها، جمعیت عظیم و متراکم و فشار آن به زندگی انسان، هویت فردی و آزادی او را به خطر می افکند. این امر موجب انزوا و از خود بیگانگی او می شود (توسلی، ۱۳۷۴: ۸۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بزهکاری نتیجه کنش و واکنش‌های عوامل متعددی از قبیل فقر و بیکاری خانواده نابسامان، دوستان نا باب صفت اعتقادات مذهبی و دینی تأثیرات رسانه‌ای مهاجرت حاشیه نشینی و بسیاری دیگر از عوامل می‌باشد با بررسی صورت گرفته مشخص گردید که در دنیای امروز به ویژه در کشور های در حال توسعه یکی از مهمترین عوامل در سر راه پیشرفت جامعه مطرح شده است و این پدیده (جرم) توانسته صدمات جبران ناپذیری را بر روی سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کند همان گونه که در دنیای پزشکی تاکید بر این است که پیشگیری بهتر از درمان است از این طریق با هزینه کمتر و سریعتر می توان به مقصود رسید تجربیات به دست آمده از اجرای هدفمند و پیشگیری این برنامه نشانگر این است که برای حذف یا کاهش این پدیده شوم در نظام اداری کشور نیازمند برنامه هایی هستیم که با تاثیر بر فرهنگ عمومی جامعه و ابعاد آن از بروز جرایم جلوگیری گردد. با توجه به اینکه تا سال ۲۰۲۰ بخش عمده ای از کشورهای جهان سوم در شهرها سکونت خواهند گزید و با توجه به نرخ رشد کنونی پیش‌بینی می‌شود رشد جمعیت موجب بروز انبوهی از مشکلات و جرایم به صورت سیستماتیک گردیده و تمام ساختار های کشور های در حال توسعه و عملکرد آن را در بر می گیرد از آنجایی که مشکلات روز به روز در حال افزایش است و اگر مقامات کشوری در شهرها به روش های کنونی ادامه دهند با افزایش جمعیت شهرها مسائل امنیتی میزان جرم و جنایت افزایش یافته و با تنشها و آشوب‌های گسترده مواجه خواهند شد.

پیشنهادهای کاربردی:

- ۱- پیشنهاد اول به مسئولین اینکه اطلاعات و آمار ثبت مجرمین را به همراه جرم های انجام شده با استفاده از توانایی های متخصصین آمار و کارشناسان برنامه‌نویس همراه با نظارت در سیستم جامعی ثبت نمایند.
- ۲- شناخت ویژگی‌های جرم، عوامل و شرایط مؤثر در وقوع جرم و بزه با استفاده از توانمندی های علمی اساتید دانشگاه و صاحب نظران را در اولویت اصلی و نخستین مسئولین انتظامی امنیتی باشد.

۳- با توجه به نوپا بودن این‌گونه کارهای پژوهش توصیه می‌شود قسمت‌های انتظامی امنیتی همکاری بیشتری با مراکز علمی پژوهش بنمایند و در زمینه در دسترس قرار دادن اطلاعات حساسیت بیش از حد پرهیز نمایند.

۴- با توجه به گسترش انواع جرم و جرایم و بسترها و آسیب‌های اجتماعی و همچنین جوانی جمعیت در جامعه امروز ما به مسئولین توصیه می‌شود از حمایت مادی و معنوی پژوهشگران دریغ نکنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی، ریشه‌ها و راه‌حل‌ها، نشریه اندیشه حوزه شماره ۴۳ و ۴۴.
- بابایی، محبوبه، از مهاجرت تا حاشیه نشینی، روزنامه مردم سالاری.
- باقری، اشرف السادات، حاشیه نشینی و رابطه با آن با جرم و جنایت.
- پارسا پژوه، سپیده (۱۳۸۱)، نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی اسلام‌آباد کرج، فصلنامه رفاه اجتماعی، تهران.
- تجری، سمیه (۱۳۸۷)، حاشیه‌نشینی و چالش‌های آن بر توسعه و بهبود شهری (مطالعه موردی شهر گرگان).
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه پیام نور.
- جی.کی هیر. اسکار (۱۳۶۷)، درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، ترجمه: محمد سلیمانی و احمدرضا یگانه‌فرد، دانشگاه پیام نور.
- حاشیه‌نشینی و مدیریت شهری، تدبیر سال پانزدهم، شماره ۱۵۲، دی ماه ۱۳۸۳.
- خورشیدی، محمدتقی (۱۳۸۵)، مهاجرت و حاشیه‌نشینی و امنیت اجتماعی شهرها (با نگاهی به حاشیه‌نشینی در شهر مشهد).
- ربانی، رسول و همکاران (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه.
- سازمان برنامه و بودجه استان زنجان، بررسی حاشیه‌نشینی شهر زنجان، سال ۱۳۶۹.
- شکویی، حسین (۱۳۶۷)، حاشیه‌نشینی شهر تبریز.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، بازنگری پدیده اسکان غیر رسمی در ایران.
- عبادی نژاد، سیدعلی، نقش حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی.
- فخیمی، علی، تأثیر گسترش حاشیه‌نشینی بر امنیت اجتماعی.
- فرید، یدا... (۱۳۶۸)، جغرافیا و شهر شناسی، دانشگاه تبریز.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۹)، روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت، دانشگاه پیام نور.
- میرکتولی، جعفر و همکاران (۱۳۸۷)، شناسایی نقاط آسیب‌زا و جرم‌خیز بافت شهری و روستایی استان گلستان.
- مسعودی‌فر، رضا، تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم، دانشجوی دکترای تشخیص جرم، سمینار شهرها و مردم.

- موسوی، سید یعقوب (۱۳۷۸)، تبیین نظری جامعه‌شناختی جرایم شهری و اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۴۳-۱۴۴.
- مافی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین مشهد) فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳.
- نظری، علی‌اصغر (۱۳۷۸)، جغرافیای جمعیت ایران، سازمان جغرافیایی و گیتاشناسی، تهران.
- حال ادوارتی (۱۳۷۶)، بُعد پنهان، ترجمه: دکتر منوچهر طلبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۵۷)، مبانی جرم‌شناسی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۰)، مبانی جرم‌شناسی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخ‌وندی، داور (۱۳۵۳)، جامعه‌شناسی و انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، چاپ دوم، تهران: نشر و پخش کتاب.

- <http://daneshnameh.roshd.ir>

- <http://www.wdalatkhahi.ir/003977.shtml0>

